

روزنه

مرادیان سفیر جدید ایران در دانمارک شد

● **ایسنا:** مرتضی مرادیان به پیشنهاد محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه و موافقت حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، به سمت سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در کشور دانمارک منصوب شد. او پیش از این انتصاب، در سمت‌های مختلف از جمله مدیرکل مشترک‌المنافع قفقاز و همسایگان شمال غربی و معاون مدیرکل آسیای غربی وزارت امور خارجه و سفیر جمهوری اسلامی ایران در کره شمالی مشغول به کار بوده است.

گفت‌وگوی تلفنی امیرعبداللّه‌یان با نماینده پوتین

● **ایلنا:**حسین امیرعبداللّه‌یان، معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه، و مخائیل باگدانف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه، در تماس تلفنی درباره آخرین تحولات منطقه به‌ویژه سوریه و سفر استغان دی میستورا نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل به تهران و مسائل منطقه بحث و تبادل‌نظر کردند.

طرفین در این گفت‌وگو تاکید کردند مسئله سوریه و یمن راه‌حل سیاسی دارد و تداوم روش‌های نظامی و امنیتی تنها شرایط را بیش‌ازپیش پیچیده‌تر می‌کند. امیرعبداللّه‌یان باگدانف بار دیگر بر حمایت تهران و مسکو از تلاش‌های سازمان ملل در قبال حل سیاسی بحران در سوریه تاکید کردند و خطر افزایش تحرکات تروریستی در سوریه و یمن را یادآور شدند.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۷

برخی فکر می‌کنند وجود خودسرها لازم است

● راه‌افتادن مردم به سمت سفارت عربستان در اعتراض به این مسئله، طبیعی است، ولی باید کنترل می‌شد و اجازه نمی‌دادند معترضان وارد سفارت شوند یا به آن آسیب برسانند. نیروی انتظامی می‌دانست مهاجمان از کجا آمده‌اند، ولی جلوشان را نگرفت. این ملاحظات و رودربایستی‌هاست که پدر کشور را در آورده است. ● (در حادثه شیراز) احکامی مانند یک ماه زندان و ۱۰ ضربه شلاق تعلیقی به مهاجمان دادند که یعنی فعلا اجرا نمی‌شود، مگر اینکه آنها دوباره مرتکب چنین جرمی شوند! اما برای رئیس دانشگاه و دانشجوی دعوت‌کننده حکم سنگین داده‌اند. اینها نشان می‌دهد برخی در این کشور نمی‌خواهند این‌گونه حوادث پایان یابد و به این‌گونه افراد نیاز دارند. البته همین که بالاخره در جمهوری اسلامی یک گروه فشار محاکمه و احکامی برای آنها صادر شد یک پیروزی است. ● یک مشکل در قوه قضائیه است که باید به استفاده از قضات مستقل، قوی عمل کند. یک مشکل دیگر کم‌بودن جدید دولت است. رئیس‌جمهور نماینده ملت و مسئول اجرای قانون اساسی است که می‌تواند خیلی کارها انجام دهد و باید جدی‌تر در این موارد وارد شوند، ولی عامل اصلی البته این است که عده‌ای در داخل حکومت فکر می‌کنند همین روش‌ها باید حفظ شود و اگر این گروه‌ها نباشند، نظام در جای دچار مشکل می‌شود! یعنی جایی که لازم است، اینها نمی‌آیند و نظام دچار مشکل می‌شود! اما باید به‌جای حمایت از این افراد و گروه‌ها مردم را جذب کنیم. مثل اول انقلاب که مردم به‌طور خودکار ضدانقلاب را دفع می‌کردند و نیازی به گروه فشار نبود که حرکت‌های اعتراضی را سرکوب کنند. این‌گونه نیست که برای حفظ نظام، این افراد باید حفظ شوند!

● – بگذارید یک خاطره از مرحوم پدر تعریف کنم. حدود ۱۰ روز پس از پیروزی انقلاب، فرد موفقی به منزل ما زنگ زد و به پدر گفت: «دو نفر کمیته‌ای رفته‌اند داخل منزلی و گویا جرم بزرگی مرتکب شده‌اند، با اینها چه کنیم؟ آنها نماینده جمهوری اسلامی و انقلابند». پدرم به مرحوم آقای مهدوی‌کنی که آن زمان فرمانده کمیته بودند و پدر، ایشان را برای این سمت به امام معرفی کرده بودند، زنگ زدند و گفتند آنها بازداشت و محاکمه شوند و حکمشان هرچه بود، به همین نام گذاشته‌اند، اما زمانی که وارد کمیته سیاسی و حرکت گروهی بعضاً در قالب لیبرالیسم و گفتمان تکنوکراتی به‌دور از اندیشه‌های امام (ره) و مشی رهبر فرزانه انقلاب شده و بعضاً از مسیر خدمت‌رسانی خارج و محدود به یک گروه سیاسی با کارکرد امروزی خود شدند. گرچه تشکیل حزب کارگزاران نه به اند آقای هاشمی‌رفسنجانی بوده نه اراده ایشان .

پس از انتشار گزارشی با عنوان «مرد هزار چهره» در روزنامه «شرق»، «م.م.ان» با ارسال جوابیه‌ای خواستار انتشار آن در روزنامه شد، بنابراین براساس قانون مطبوعات، متن جوابیه نامبرده را به شرح زیر می‌خوانید:

مدیر مسئول محترم روزنامه شرق با سلام و تحیت

انتشار مطلبی در آن روزنامه در تاریخ ۲۳ دی‌ماه با تیتَر «مرد هزار چهره»، مرا بر آن داشت توضیحات ذیل را ارسال نمایم. هرچند ارسال این نوشتار به شما، زیره به‌کرمان بردن است (البته هم در مقام علم به آن و هم در مقام عمل) لکن به مصداق آیه کریمه «فَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَفْعُ الْمُؤْمِنِينَ» و اینکه ایمان دارم نسبت به عملیات روانی و زنجیره‌ای رسانه‌ای برای اقدامات کاسبکارانه، رسانه‌های بیگانه نیستید، لذا بر خود فرض دانستم که مطالب ذیل را به‌عنوان تذکر از یک سو و براساس قانون از سوی دیگر، جهت درج در روزنامه «شرق» برابر مفاد قانون مطبوعات در همان صفحات و ستون و قلم و تیتَر، در اولین شماره تقدیم نمایم:

پیرامون آنچه در رابطه با فرهنگ آشتی و حقیر نگارنده حواشی آن، کیهان در تاریخ‌های ۱۳۸۸/۵/۱۳ و ۱۳۸۸/۵/۲۱ اقدام به افشایی آن کرد و شما به آن استناد نمودید: صاحب‌امتیاز روزنامه فرهنگ آشتی از تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۲ (شرکت نشر اندیشه مهر) می‌باشد و مستند به مفاد قانون تجارت آقای ع.ع هیچ‌گونه سهامی در شرکت نشر اندیشه مهر (براساس صورت‌جلسات ثبت‌شده در دفاتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری و رونامه‌های رسمی) نداشته و مجموع عمومی نیز ایشان را از کلیه سمت‌های قانونی مدیریتی عزل نموده بود و به‌تبع آن مستند به ماده ۱۴ قانون مطبوعات، صاحب‌امتیاز روزنامه فرهنگ آشتی در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۳ طی نامه شماره ۸۳۲۳ اقدام به عزل وی از سمت مدیرمسئول روزنامه نموده و مراتب را به دبیر‌خانه هیات نظارت بر مطبوعات و اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و وی اعلام نموده است. در همین راستا مدیر کل وقت مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی نامه شماره ۱۴۴/۲۱۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴ با اعلام وصول آن، مراتب مربوطه را به صاحب‌امتیاز روزنامه (شرکت نشر اندیشه مهر) اعلام نموده و متعاقب آن طی نامه شماره ۸۵۱/۴۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۰ مدارک لازم مدیرمسئول اعلامی جدید توسط صاحب‌امتیاز ارسال گردیده و بنابراین، هم عزل و هم معرفی مدیرمسئول جدید در زمان مقرر قانونی صورت پذیرفته است. روزنامه مربوطه در هر ۲ مطلب اعلامی مذکور و همچنین نامه منتشره ع .ع، حذف نام مدیرمسئول را برخلاف قانون در شناسنامه روزنامه تکرار نموده است. ادبیات پذیرش مسئولیت در یک جریده، آشنایی مقدماتی با قانون مطبوعات است لذا مستند به ماده ۱۴ قانون مطبوعات، صاحب‌امتیاز در صورت عزل ... مدیرمسئول، ۳ ماه فرصت دارد اقدام به معرفی مدیرمسئول جدید نماید و تا زمان معرفی و طی مراحل قانونی و تأیید توسط هیات معظم نظارت بر مطبوعات، کلیه مسئولیت‌های مدیرمسئول (مندرج در قانون مطبوعات) به عهده صاحب‌امتیاز است. ضمناً مستند به مفاد ماده ۳۲ قانون مطبوعات که اشعار می‌دارد: هرکس در نشریه‌ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیرمسئول معرفی کند یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمت‌های مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود. اقدام آن روزنامه و «ع.ع» در معرفی وی به‌عنوان مدیر مسئول، با توجه به برکناری وی و فقد سمت جرم می‌باشد. پیرامون عناوین مجرمانه و اتهامات و مطالب خلاف واقع و کذب که روزنامه کیهان و ع.ع به این‌جانب و روزنامه فرهنگ آشتی منتسب نموده‌اند یا توجه به رسیدگی به مطالب منتشره در مراجع قانونی، بدزودی موضوع، رسیدگی و مشخص خواهد شد که جاعل و کلاهبردار و شارلاتان و مرد چند چهره و ...چه کسی بوده است؟ بی‌شک شان هر مسلمان و مؤمنی و همچنین حقیر نگارنده، اولی‌تر از آن است که ادبیات حاکم در دولت سازندگی خدماتی را در عرصه‌های اجرایی از خود بر جای گذاشته‌اند، اما زمانی که وارد کمیته سیاسی و حرکت گروهی بعضاً در قالب لیبرالیسم و گفتمان تکنوکراتی به‌دور از اندیشه‌های امام (ره) و مشی رهبر فرزانه انقلاب شده و بعضاً از مسیر خدمت‌رسانی خارج و محدود به یک گروه سیاسی با کارکرد امروزی خود شدند. گرچه تشکیل حزب کارگزاران نه به اند آقای هاشمی‌رفسنجانی بوده نه

ترس احضار، اخطار، تهدید به تعطیلی و توقیف، عن‌قریب نزدیک است که بن‌بدنند وجودمان از هم بگلسد و این موضوع سخت خبرنگاران را محتاط و به اصطلاح دست‌به‌عصا کرده و این در حالی است که برخی مدیران رسانه‌ها در هر دولتی، به پشوتانه برخی ارتباطات خاص و ارتباطات ویژه! هرچه می‌خواهند می‌نویسند، ... می‌کنند، حتی ککشان هم نمی‌گزد! کاملاً حیاتی است که از شما پیرسم برادر عزیز! این نوع ادبیات تحقیرآمیز، خشن و تهاجمی کی می‌خواهد پایان پذیرد؟!

با همان ادبیاتی درباره مرد هزار چهره!! نوشتید که همواره مخالف آن بودید و هستید، محل تاسف است که در نوشتاری که به این‌جانب منتسب نمودید، تناقضات آشکار و بدیهی وجود دارد، ولی فارغ از آن در صدر نوشتار استناد به مطالبی از کیهان می‌کنید (که البته در همین نوشتار درباره آن هم به تفصیل توضیح خواهم داد و مستندات قضائی مراجع صالحه را تقدیم خواهم کرد). صاحب این نوشتار چند روزی است که مطالب شما را در چند خبرگزاری و سایت خبری و روزنامه‌های با مشی اصولگرایی ملاحظه نموده و حتی پاسخ دفتر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و دفتر نشر معارف را، ولی بنا بر سکوت گذاشتم، ولی وقتی تحلیلی غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی در روزنامه تحت مدیریت شما رؤیت نمودم، لازم دیدم این پاسخ را تهیه و ارسال نمایم. بهتر بود به‌جای تکه‌برداری از مطالب منتشرشده در رسانه‌های الکترونیکی و مکتوب درباره مواضع سیاسی این‌جانب، تناقضات مواضع این‌جانب را بیان می‌کردید. البته با اندکی تأمل در مطالب منتشرشده علاوه بر تناقضات آشکار، مطالب خلاف واقع و حاوی افترآ نیز وجود دارد. بزرگ‌ترین آفت افترآ «مطلق‌گرایی» است در مواضع این‌جانب کراراً از مصادره بزگان نظام به‌نفع افراد و جریان‌های سیاسی تذکر داده شده است. شما برای حفظ آقای هاشمی‌رفسنجانی به‌راحتی افترآ، توهین و نشر اکاذیب را سیریه خود می‌نمایید و به‌راحتی از اخلاق و انسانیت عبور می‌کنید و یک فرد را بر همه‌چیز ترجیح دهید. صاحب نوشتار می‌چگاه قائل به مطلق‌بودن صحت رفتار و گفتار هیچ جریان سیاسی و فردی نبوده و نیست و رسانه را دارای یک هویت مستقل می‌داند و اگر غیر این باشد، یا بولتن است یا وامدار و اگر شما رسالتی غیر از این برای رسانه‌ها قائل هستید، محل تامل است و این در مشی گفتاری و رفتاری بنده با آنچه شما بر آن اقرار نموده‌اید، کاملاً قابل احصا است.

درباره جنجال گسترده اخیر پیرامون تسهیلات دریافتی نیز دو موضوع قابل ذکر است، یکی اصل دریافت تسهیلات، که بنا بر احکام قطعی قضائی این موضوع منطبق بر ضوابط و مقررات موضوعه، اخذ و هزینه شده است (و اعتبار امر مختومه است) که عندالزوم مستندات منتشر می‌شود و دیگری نام مؤسسه تنظیم و حفظ و نشر آثار ... در بخش دوم و جواز قانونی آن لازم است مواردی ذکر شود؛ اولاً بخش اندکی از تسهیلات انتشارات به نام این مؤسسه بوده است نه کل تسهیلات. ثانیاً برابر اعلامیه بانک اقدامات قانونی (وثیقه ملکی بیش از ارزش کل تسهیلات) جهت بازپرداخت تسهیلات به عمل آمده است، ثالثاً بنده در مؤسسه مورد نظر صرفاً عضو هیات‌مدیره و احدی از مدیران بوده و هستم و رابعاً نام فعلی مؤسسه با نام مورد هجمه درحال حاضر فاقد موضوعیت است و مؤسسان براساس مقررات اقدام به ثبت آن نموده‌اند و خامساً پیرامون لزوم جواز فرد یا مرجعی برای تعیین نام قبلی، مرجع ثبت ملزم به تطبیق قوانین و مقررات موضوعه می‌باشد و سادساً پیرامون جعلی‌بودن مؤسسه، استناد رسانه منتشرکننده به روزنامه رسمی و ثبت برابر ضوابط قانون تجارت جمیع نقضین است و نهایتاً اینکه اطلاع در متسب نام مؤسسه در زمان ثبت در زمان مقتضی در صورت لزوم در توضیحات و مستندات مربوطه منتشر خواهد شد. بنابراین موضوعی که بنابر پرونده‌های موجود قضائی و حکم قطعی مراجع صالحه قضائی حکم بر صحت روبه و تصدیق امر است، چه محلی برای تخریب است؟ الله اعلم؟! در بخشی دیگر چنین عنوان نموده‌اید که رد پای «مرد هزارچهره»!! در همه‌جا دیده می‌شود و دارای چندین شناسنامه است (به نقل از کیهان) ولی اشاره نموده‌اید مقصود از همه‌جا کجاست؟ گرچه درباره مطلب منتشره در کیهان، ۳ مستند و دستور قضائی به پیوست ارسال می‌گردد که دلایل بر عدم صحت مورد استنادی شما می‌باشد و هم نویسنده مطلب و هم رسانه مورد نظر تحت تعقیب کیفری می‌باشد. نکته قابل تأمل در مطلب منتشره اینکه مقصود از انتشار این مطلب چیست؟! آشنانمودن با «مرد هزارچهره»!! یا دفاع از آقای هاشمی‌رفسنجانی؟! اگر مقصود آشنانمودن با «مرد هزار چهره»!! است که هر آنچه منتشر نمودید، بازشر مطلب رسانه‌های اصولگرا بود و شما صرفاً اقدام به تنظیم آن نموده‌اید و اگر مقصود دفاع از آقای هاشمی‌رفسنجانی است که دوستان تسنیم و کیهان و ... همان مطالب را منتشر نموده بودند و حتی پس از پاسخ‌های دفتر ایشان، انگشت اتهام را از دفتر ایشان به سمت دریافت‌کننده تسهیلات معطوف نموده بودند .

این‌جانب «مرد هزار چهره»!!! افتخار دارم حداقل منابع فعالیت رسانه‌ای (به‌فرض صحت ادعای مطروحه) مشخص و بنا بر حکم قطعی مراجع صالح قضائی در دریافت و هزینه‌کرد آن هیچ‌گونه تخطی از مقررات صورت نگرفته است؛ در مدت همکاری با دفتر ایشان ریالی انتفاع مالی نداشته‌ام، علی‌رغم ادعای بعضی از اصلاح‌طلبان فرصت‌طلب در آن نشست یادآور شد که هر روز که می‌گذرد از

بازتاب

جوابیه به گزارش مرد هزارچهره

در جلسات صنفی در زمان بازداشت این‌جانب که بنده را به ارتباط با رژیم صیهونیستی و... متهم می‌کردند و هم‌اکنون داعیه‌دار اصلاح‌طلبی در حوزه رسانه‌ای می‌باشند، ولی جهت تنویر افکار عمومی، پشت پرده منابع مالی خود را بیان نمی‌کنند (که البته روزنامه شرق مقصود این‌جانب نیست).

بخشی از مقصودم این بود که نویسنده مطلب منتشره را به انطباق اسلامی و ادبیات انسانی و اخلاق حرفه‌ای تذکر دهم، ولی آنجا که دیدم در مطلب منتشره درج نقطه‌نظرات بنده در رسانه‌های اصولگرا به سخره گرفته شده است افسوس خوردم. در اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای، استقلال یکی از شاخه‌های اصلی به شمار می‌آید و اگر غیر از این باشد «خلاف مقتضای ذات فعالیت رسانه‌ای» است از آن روزنامه که همواره ادبیات برخی رسانه‌های الکترونیکی و مکتوب اصولگرا را باشنه آشیل جریان اصولگرایی می‌دانستید و می‌دانید، سؤال دارم حال چه شده است که برای دفاع!! (البته دفاع بد) از یک فرد، این‌گونه بی‌محابا می‌تازید؟ خبرگزاری تسنیم و حتی روزنامه کیهان صرفاً نقل قولی کردند، ولی شما خودزنی سیاسی کردید؟ آیا مصاحبه‌کردن با خبرگزاری فارس و... نقطه ضعف است؟ آیا شما نمی‌بایست با دراختیارداشتن یک رسانه، به لغو پروانه نشریه «لئارات» به‌خاطر عدم انطباق اختیارات هیات نظارت بر مطبوعات با تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات نقدی را منتشر می‌کردید؟ آیا اعمال بخش پایانی تبصره مذکور در صلاحیت دادگاه و با حکم قطعی با عنوان مجازات است یا اختیار هیات نظارت بر مطبوعات؟ (گرچه از باب نمونه عرض کردم و بنده با مطلب منتشره توسط لئارات کاملاً مخالف هستم) از دارابودن قدرت و علم تمیز و تشخیص و تطبیق در حوزه رسانه‌ای جرم است؟ آیا واقعاً تأیید صلاحیت‌های این‌چنین در هیأت‌های اجرایی محل اعتراض نداشت؟ آیا این اقدام دارای تبعات اجتماعی و سیاسی برای نظام نیست؟ آیا این افراط و تفریط‌ها به زبان مردم نیست؟ آری، اگر هم‌اینک هم رسانه در اختیار داشتیم، از اصول اعتقادی خود دفاع می‌کردم و اعتقادات خود را به مسلخ منافع مالی و با سیاسی فردی نمی‌بردم و هم از این شیوه رفتارها انتقاد می‌کردم و هم بر لزوم اصلاح برخی امور اصرار! این بی‌ثباتی و چرخش سیاسی نیست بلکه استقلال در تفکر و رفتار سیاسی است. پیرامون انتساب و یا تصدیق عناوین مجرمانه به این‌جانب از قبیل کلاهبرداری– میزان وام دریافتی

توسط مؤسسه محل مناقشه– فریب و کلاهبرداری – جعل عنوان– تیتَر مرد هزار چهره و... با توضیحات تقدیمی و مستندات ارسالی قضاوت را به شما عزیزان و خوانندگان محترم واگذار می‌کنم و پیرامون نقطه‌نظرات این‌جانب درباره نقطه قوت بودن سفرهای استانی آقای احمدی‌نژاد نیز در تصدیق این امر به استمرار این سفرها در دولت فعلی بسنده می‌کنم و یقین دارم نفی مطلق عملکرد یک دولت یا تأیید مطلق، آفت تحلیل و خلاف اخلاق است. بنده عزم راسخ دارم در عرصه مطبوعاتی و در مسیر خط امام (ره) و ولایت استمرار حضور داشته باشم و در این مسیر مجاهدانه هراسی از آبروی خود ندارم. پس هرگز فراموش نکنید که شما با «شرق» خدای‌ناکرده مشی «هیچ‌کس جز خودتان» را منحصراًن قصد تحمیل نفرمایید و این خطای استراتژیک است و متضاد با مشی اصلاح‌طلبی حقیقی. حتما درمورد «دگردیسی» و «مسخ شخصیت» اطلاعات کامل دارید. افراد و به‌تبع آن رسانه‌ها، همواره در معرفی خطر «دگردیسی» و «مسخ شخصیت» هستند. رسانه‌هایی که دچار بیماری «مسخ و دگردیسی» می‌شوند به یکی از این دو حال ظاهر می‌شوند: «باتقلاب» و «بی‌نقاب»؛ رسانه‌هایی که پس از دگردیسی و مسخ، «بی‌نقاب» رفتار می‌کنند خطری ندارند زیرا همه‌چیزشان «رو و آشکار» است، اما رسانه‌هایی که بعد از دگردیسی و مسخ، «با نقاب» فعالیت می‌کنند و در ورای پارامترهایی مثل اصلاح‌طلبی هنر، ایدئولوژی، علم و... اهداف خود را پیگیری می‌کنند و هرکه را دلشان بخواهد مورد حمله و چنگ اندازی قرار می‌دهند، بسیار خطرناک‌اند.

چند مکرر این نکته را لازم می‌دانم که پاسخ و مواضع این‌جانب هرگز رنگ‌بویی مخالفت برخی مدعیان پیروی از خط امام (ره) که در بزنگاه دوران امر، بین مصالح نظام، مصالح خود را بر مصالح این نظام مقدس، مقدم می‌دارند و باهدف به‌چالش‌کشیدن مقدسات، آب بر آسباب دشمنان تشیع می‌ریزند، نخواهد گرفت و همچنین «دفاع بد» و بعضاً نادانانه نیز خارج از همان شیوه مدعیان خط امام (ره) و ولایت نبوده و نیست.

در پایان خود و شما را به رعایت تقوای الهی دعوت می‌کنم و برای جناب‌عالی و همکاران محترمتان آرزوی توفیق دارم.

رئیس هیات امنأ و دبیرکل بنیاد مردم

و به فرمایش شما

«مرد هزارچهره»!!!»

کوتاه‌د پیلماسی

تأکید جابری انصاری بر خلع سلاح هسته‌ای جهان

● **مهر:**حسین جابر انصاری، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، روز گذشته در دیدار با کانگ سام هیون، سفیر جمهوری دموکرات خلق کره، بر ضرورت انجام تعهد قدرت‌های جهانی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای تاکید کرد.آنها در این دیدار درباره روابط و همکاری‌های دو کشور تبادل‌نظر کردند. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در این ملاقات ضمن اشاره به روابط دوستانه دو کشور گفت: سیاست ثابت جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با مداخله بیگانگان و استفاده از تهدید نظامی برای بی‌ثبات‌کردن کشورهای مستقل است.وی همچنین بر موضع اصولی ایران در زمینه منع تولید و انباشت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و ضرورت انجام تعهد قدرت‌های جهانی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای تاکید کرد.

دیوید کامرون:

باید با چشمانی باز وارد ایران شد

● **فارس:**نخست‌وزیر انگلیس در سخنانی در پارلمان این کشور اعلام کرد باید به‌دقت مراقب اجرای تعهدات ایران بود.دیوید کامرون که در پارلمان این کشور صحبت می‌کرد، درباره برجام گفت: ایران دسترسی‌های بی‌سابقه‌ای را به آژانس بین‌المللی هسته‌ای داده تا اطمینان حاصل شود به هر آنچه در اجرای توافق گفته بود، عمل می‌کند.وی افزود: ما باید با چشمانی بسیار باز، با دلواپسی و نیز عزمی بسیار راسخ، وارد ایران شویم تا مطمئن شویم این کشور هر چه را گفته، اجرا می‌کند.

افغانستان خواهان حل مسالمت آمیز تش‌های منطقه

● **ایرنا:** صلاح‌الدین ربانی، وزیر‌امور خارجه افغانستان، گفت قطع روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان، گره‌گشا نیست و کابل خواهان حل مسالمت‌آمیز تنش به‌وجودآمده میان تهران و ریاض است.او افزود: افغانستان از هر راهی که به حل مسالمت‌آمیز روابط بین ایران و عربستان به عنوان دو کشور اسلامی منجر شود، حمایت خواهد کرد. «عبدالله عبدالله»، رئیس اجرائی دولت افغانستان، نیز پنجشنبه گذشته گفته بود کابل از ایجاد تنش بین کشورهای اسلامی متأثر می‌شود و امیدوار است تنش‌های ایجادشده میان ایران و عربستان، به صورت مسالمت‌آمیز مرتفع شود.

